

بررسی تطبیقی تنبیه بدنی زن در تفاسیر فریقین با

توجه به آیه ۳۴ سوره نساء

دکتر رضا باقی‌زاده^۱

چکیده

نافرمانی و سرکشی زن نسبت به شوهر در اصطلاح قرآن "نشوز" نامیده می‌شود. انگیزه‌های مختلفی از قبیل تحت فشار قرار دادن شوهر برای ارضای خواسته‌های تجمل‌گرایانه، امتیازگیری اقتصادی، میل به معاشرت با دیگران و ... می‌تواند سبب نشوز زن شود. در قرآن برای جلوگیری از نشوز زن از تنبیه بدنی سخن به میان آمده است. حال یکی از سؤال‌های اساسی این است که تنبیه بدنی چگونه با کرامت انسانی زن سازگاری دارد و چگونه خداوند به آن دستور داده است. در این مقاله با توجه به آیه ۳۴ سوره نساء از دیدگاه مفسران فریقین به نقد و بررسی این مسئله می‌پردازیم. روش تحقیق در این نوشتار از جهت نگرش مسئله محور، و از جهت راهبرد توصیفی و تحلیلی و از جهت جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای است. برآیند تحقیق حاکی از آن است که طبق دیدگاه مفسران فریقین در صورتی که زن حقوق شوهر را نادیده بگیرد، قرآن برای باز پس‌گیری این حق، شوهر را ابتدا ملزم به پند و اندرز دهی می‌کند و در صورت بی‌ثمر بودن این روش، دوری از بستر را توصیه می‌کند. تنبیه بدنی آن هم با شرایطی خاص زمانی مجاز شمرده می‌شود که دوری از بستر پاسخ ندهد. بنابراین، حکم تنبیه بدنی تنها یک تجویز ضروری برای مقاطعی کاملاً خاص (نشوز زن) است. این حکم نه تنها در موارد دیگر غیر مجاز و نادرست محسوب می‌شود، بلکه، در روایات زیادی مطلقاً ممنوع شمرده شده است. در نتیجه، تنبیه بدنی در موارد خاص هیچ منافاتی با کرامت انسانی زن ندارد.

کلید واژه: قرآن، نشوز، زن، تنبیه بدنی، کرامت انسانی، فریقین.

طرح مسئله

یکی از نیازهای امروز جامعه اسلامی پاسخ به شبهاتی است که فکر و ذهن بسیاری از افراد به ویژه جوانان را به خود مشغول کرده است. از جمله شبهاتی که در نظام خانواده وجود دارد، بحث تنبیه بدنی زن است که در آیه ۳۴ سوره نساء آمده است: «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ... وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْتَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا» (مردان، سرپرست زنانند... و زنانی را که از نافرمانی آنان بیم دارید [نخست] پندشان دهید و [بعد] در خوابگاه‌ها از ایشان دوری کنید و [اگر تأثیر نکرد] آنان را بزنید؛ پس اگر شما را اطاعت کردند [دیگر] بر آنها هیچ راهی [برای سرزنش] مجوید، که خدا والای بزرگ است) (نساء / ۳۴).

خداوند در این آیه علاوه بر بیان قوامیت مرد نسبت به زن، به نشوز زن و وظیفه مرد در مقابل او نیز اشاره می‌کند. این آیه یکی از بحث‌انگیزترین آیات نزد مفسران بوده و نظرات متفاوت و گاه متناقضی از سوی آنها بیان شده که بعضاً تأثیر مقتضیات تاریخی را نیز در تفسیر این آیه نشان می‌دهد. از این رو، سؤال اصلی در این مقاله این است: آیا تنبیه بدنی زن با کرامت انسانی او سازگاری دارد؟

پژوهش‌های تفسیری

بررسی تطبیقی تنبیه بدنی زن در تفاسیر فریقین با توجه به آیه ۳۴ سوره نساء

مفهوم شناسی

الف) نشوز

"نشوز" از ماده "نشز" به معنای زمین مرتفع و بلند است و نشوز زن یعنی بغض و سرکشی او نسبت به شوهر خود. گویا زن، خویشان را از مطیع بودن مرد بالا می کشد و خود را در دسترس او قرار نمی دهد (الراغب الاصفهانی، ۱۳۸۷: ۴۹۵).

اما در اصطلاح منظور از نشوز چیست؟ آیا مراد تخلفات حوزه خانواده است یا امور شرعی و اجتماعی را نیز در بر می گیرد؟ و اگر مربوط به خانواده است منحصر به مسئله زناشویی است یا فراتر از آن؟

نشوز در شرع عبارت از نافرمانی کردن زن شوهردار است (حسینی جرجانی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۳۴۳) و "ناشزه" «زنی است که از اطاعت شوهر بیرون رود و دیگر حق نفقه، پوشش و سکونت ندارد و حتی گفته شده که نشوز یکی از گناهان کبیره است و مانع قبولی طاعات است ...» (طیب، ۱۳۷۸، ج ۴: ۷۳).

از نظر امام خمینی چگونگی تحقق نشوز عبارت است از:

نشوز در زن به این صورت است که زن از اطاعت شوهر - آن مقدار که واجب است - خارج شود و نیز امور نفرت آوری که با کامیابی جنسی از زن منافات دارد را از خود دور نکند. حتی اگر به تمیزی و نظافت خود اهمیت ندهد و با خواست شوهر از آرایش و زینت خویش خودداری کند نیز نشوز تحقق می یابد و همچنین اگر بدون اجازه شوهر از منزل خارج شود و مانند این امور. ولی در اموری که اطاعت زن از مرد واجب نیست اگر فرمان نبرد نشوز تحقق نمی یابد. بنابراین اگر زن از انجام کارهای منزل و نیازهایی که مربوط به استمتاع مرد نیست سرباز زند مثل: جارو کردن، خیاطی، پخت غذا و حتی آوردن آب و آماده سازی بستر خواب، ناشزه نمی باشد (موسوی خمینی ۱۳۹۰، ۲: ۳۰۵).

نکته ای که در خور ژرف نگری است اینکه کاموری زناشویی باید با زیان و ضرری همراه نباشد؛ زیرا، به حکم اصل کلی "لا ضرر" هر گونه ضرر و زیانی در روابط خانوادگی و اجتماعی ممنوع است (حکیمی، ۱۳۸۸: ۵۰۰).

در روایتی امام صادق (ع) نیز ملاک نشوز زن را عدم تبعیت او می‌داند: «نشوز زن آن است که در فراش (هم‌بستر شدن) از شوهر تبعیت نکند» (صدوق، ۱۴۰۱، ۳: ۵۲۱).

ب) ضرب

ضرب در لغت به معنای زدن (با دست، عصا، شمشیر، شلاق و ...)، رفتن و سیر کردن، وصف کردن، بیان کردن (ضرب المثل)، زدن چیزی به چیز دیگر است (ابن منظور، ۱۴۰۸، ۱: ۵۴۳ - ۵۵۱). و در اصطلاح با عنایت به آیه ۳۴ سوره نساء به معنای زدن - به هر وسیله‌ای - است (خرمشاهی، ۱۳۸۹، ۲: ۱۳۹۰).

مبادی بحث

انگیزه‌های نشوز زن

- انگیزه‌های مختلفی که سبب ناشزه شدن زن می‌شوند، عبارتند از:
۱. تحت فشار قرار دادن شوهر توسط زن برای ارضای خواسته‌های تجمل‌گرایانه و افزون‌خواهی‌های سودجویانه، گرفتن امتیازات اقتصادی، تأمین شیک‌پوشی و ...
 ۲. میل به معاشرت با دیگران و تفریحات افراطی.
 ۳. قدرت‌طلبی و میل به فرمانروایی بر خانه، شوهر و فرزندان و تصمیم‌گیری در همه امور و در واقع خدشه‌دار کردن قوامیت مرد.
 ۴. خستگی جسمی و روانی و افسردگی‌های مقطعی و فشارهای ناشی از کار و یا بروز حوادث ناگوار.
 ۵. عدم ارضای جنسی در آمیزش و لذت بخش نبودن همخوابگی با مرد.
 ۶. امتناع از تمکین به جهت جلب محبت و ابراز عشق و وفاداری از سوی مرد؛ به عبارت دیگر، امتناع زن از سر‌ناز باشد به انگیزه اظهار عشق و نیاز شوهر (داودی، ۱۳۸۲: ۴۳۵).

بررسی تطبیقی تنبیه بدنی زن در تفاسیر فریقین با توجه به آیه ۳۴ سوره نساء

انگیزه‌های دیگری از قبیل: لجبازی، دوست نداشتن شوهر، انتقام از بداخلاقی مرد، تنفر و بیزاری از شوهر، سردمزاجی و ... می‌تواند سبب نشوز زن باشد.

تخافون

برخی معتقدند اینکه قرآن می‌فرماید: «و اللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ» نکته‌ای دارد و آن این است که لازم نیست نشوز صورت بگیرد تا مرد شروع به مرحله اول نماید، بلکه اگر مردی برسد که نشوز صورت می‌گیرد می‌تواند مرحله اول یعنی موعظه را شروع کند. علامه طباطبایی می‌گوید: «در جمله "فَعَطُّوهُنَّ" فای تفریع را آورد و موعظه را نتیجه ترس از نشوز قرار داد نه از خود نشوز شاید برای این بوده که رعایت حال موعظه را در بین علاج‌های سه گانه کرده باشد و بفهماند از میان این سه راه علاج، موعظه علاجی است که هم در حال نشوز مفید خواهد بود و هم قبل از نشوز و هنگام پیدا شدن علامت‌های آن» (طباطبایی، ۱۳۹۳، ۳: ۳۴۵).

مراد از خوف نشوز از نظر علامه «این است که نشانه‌های آن به تدریج ظاهر شود» (همان) و نیز گفته شده "خوف نشوز، ظن و گمان نشوز است و مجرد احتمال کافی نیست» (طیب، ۱۳۷۸، ۴، ۷۳). اما برخی معتقدند که بیم نافرمانی، علم به نافرمانی است؛ زیرا، خوف گاهی به معنای علم به کار می‌رود (طبرسی، ۱۳۵۱، ۵: ۱۳۶).

مراحل برخورد مرد با نشوز زن

نحوه برخورد مرد با نشوز زن با توجه به انگیزه‌های مختلف فرق دارد؛ زیرا، اگر انگیزه، خستگی جسمی، روانی و افسردگی و فشارهای ناشی از کار باشد، شوهر باید در صدد رفع خستگی زن و یا درمان افسردگی او باشد و یا فشار کار را برای زن کم کند. و اگر انگیزه، عدم ارضای جنسی باشد، مرد باید با زن به عنوان یک بیمار برخورد کند و در صدد درمان او برآید؛ زیرا، در این موارد زن عمداً قصد مخالفت با شوهر را ندارد. اما اگر انگیزه‌ها موارد دیگر باشد که زن با قصد و علم با آن انگیزه‌ها از اطاعت شوهر دوری می‌کند، طبق دستور قرآن مرد باید سه مرحله را طی کند تا بتواند زن را از ناشزه بودن باز دارد. سه مرحله‌ای که قرآن

دستور داده مترتب بر همدیگر است؛ یعنی مرحله اول را اقدام می کند اگر تأثیر نکرد، مرحله دوم و اگر باز هم نتیجه نداد، نوبت به مرحله سوم می رسد.

فخر رازی می گوید: «زذن زمانی رواست که غیر ضرب قطعاً مفید و نافع واقع نشود» (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۳: ۳۱۸). علامه طباطبایی به همین مطلب اشاره دارد و معتقد است از سیاق آیه فهمیده می شود که باید ترتیب را رعایت کرد. وی ترتیب را وسایل گوناگونی از کیفر دادن می داند؛ زیرا، اگر کسی بخواهد شخصی را کیفر دهد، طبیعتاً از درجه ضعیف آن شروع می کند و سپس کیفر را به تدریج شدید و شدیدتر می کند (طباطبایی، ۱۳۹۳، ۴: ۳۴۵). زمخشری نیز به همین ترتیب اشاره دارد (زمخشری، ۱۴۰۳، ۱: ۵۰۷).

مرحله اول: پند و اندرز

قرآن با کلمه "فَعُظُّوهُنَّ" پند و اندرز را اولین راه مقابله با نشوز زن می داند تا آثار نافرمانی چه در دنیا و چه در آخرت به زن اعلام شود، شاید اثر گذار باشد. امام خمینی معتقد است که اگر مرد نشانه های طغیان و سرکشی را دید باید او را موعظه کند و اگر زن اطاعت نکند آن وقت نشوز محقق می شود (موسوی خمینی، ۱۳۹۰، ۲: ۳۰۵).

مرحله دوم: کناره گیری از بستر زن

اگر مرحله اول نتیجه نداد قرآن می فرماید: «وَ اَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ» (در بستر از آنها دوری کنید). در اینکه منظور از هجران چیست سه احتمال وجود دارد: الف) مرد در بستر رو برگرداند و پشت به همسر، با اظهار بی مهری بخوابد. روایتی از امام باقر (ع) مؤید همین معناست، آنجا که می فرماید: «يَحُولُ ظَهْرُهُ اِلَيْهَا» به این معناست که به رختخواب زن برود و پشت خود را به او نماید (راوندی، ۱۴۰۵، ۲: ۱۹۲؛ طبرسی، ۱۳۵۱، ۳: ۴۳).

علامه حکیمی در ذیل این روایت می نویسد: این دوری به این مقدار محدود شده است تا به دوری های زیاد و ترک اطاق خواب یا خانه و ... نینجامد و دل نگرانی و تشویش زنان را موجب نگردد (حکیمی، ۱۳۸۸، ۸: ۴۵۰).

بررسی تطبیقی تنبیه بدنی زن در تفاسیر فریقین با توجه به آیه ۳۴ سوره نساء

علامه طباطبایی همین معنا را اراده کرده و می‌نویسد: ظاهر جمله این است که بستر محفوظ باشد، ولی در بستر با او قهر کند؛ مثلاً پشت به او کند و یا ملاحظه نکند و یا طور دیگری بی میلی خود را به او بفهماند. ولی بعید است که با این جمله جدا کردن بستر او اراده شود (طباطبایی، ۱۳۹۳، ۴: ۳۴۵).

صاحب مجمع البیان می‌گوید: با توجه به اینکه "المضاجع" به صیغه جمع آمده است، باید در همان بستر معهود به زنش پشت کند نه در بستری دیگر (طبرسی، ۱۳۵۱، ۳-۴: ۶۹). از نظر برخی دیگر از اندیشمندان جمع بودن "مضاجع" مؤید این برداشت نیست، زیرا به جمع شوهرائی خطاب می‌کند که به نشوز همسرشان گرفتار شده‌اند؛ یعنی هر مردی در رختخوابش از همسرش جدا گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱۸: ۵۵۹).

ب) در دو رختخواب جداگانه در یک اتاق یا دو اتاق بخوابند تا زن متنبه شود. شیخ مفید معتقد است مرد مخیر است از بستر زن دوری گزیند و در بستری جداگانه بخوابد و یا در بستر زن به او پشت کند. صاحب مدارک هم نظر شیخ مفید را می‌پسندد و می‌گوید: هر یک از این دو عمل (بسترگیزی و یا پشت کردن در بستر به زن) در عرف بر او صدق هجر می‌کند (خوانساری، ۱۳۶۴، ۴: ۴۳۷).

ج) از آمیزش با او خودداری کند.

در مجمع البیان از سعید بن جبیر نقل شده است: منظور این است که از آمیزش با زن خودداری کند و علت اینکه قرآن به ترک خوابگاه امر کرده این است که آمیزش مخصوص خوابگاه است (طبرسی، ۱۳۵۱، ۵: ۱۳۵).

د) او را در خانه زندانی کند.

طبری ضمن نقل همه موارد قبل، درشت سخن گفتن و زندانی کردن در خانه را نیز بیان کرده و خود زندانی کردن زن را در خانه برگزیده است (طبری، ۱۴۱۲، ۵: ۴۰).

اما این مفارقت چه مقدار باید باشد؟ قرطبی به دلیل هجران یک ماهه پیامبر (ص) از حفصه، مفارقت یک ماهه را پیشنهاد می‌کند؛ چنانکه در تفسیر آیه «وَإِذَا أَسَرَ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ» (و چون پیامبر با یکی از همسرانش سخنی نهانی گفت ...) (تحریم/۳) آمده است

(انصاری قرطبی، ۱۴۱۵، ۵: ۱۵۱). ولی برخی معتقدند مفارقت حد مشخص ندارد به اندازه‌ای باید باشد که اثر گذار شود یا بی نتیجه بودنش روشن گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱۸: ۵۶۰). حال اگر سؤال شود که این مرحله چه فایده‌ای دارد، باید با توجه به روان‌شناسی زن پاسخ دهیم که زن طالب قلب و وجود مرد است و می‌خواهد در قلب مرد نفوذ کند و همه قلب و روح وی را تسخیر کند؛ در حالی که، مرد تن و جسم زن را می‌خواهد. از این رو، بسترگریزی مرد و روی ترش کردن و پشت به وی خوابیدن برای زن بسیار آزار دهنده است. وقتی مرد در بستر به زن پشت کند و یا در بستری جداگانه بخوابد، زن احساس می‌کند که دل و قلب مرد به وی پشت کرده است. و نیز از این راه حب و بغض زن نسبت به شوهر روشن می‌شود؛ در صورتی که زن محبتی نسبت به شوهر خود داشته باشد، تحمل چنین وضعیتی برای او دشوار خواهد بود و بالعکس اگر محبت او نسبت به شوهر کم باشد، صیوری خواهد کرد (طبرسی، ۱۳۵۱، ۵: ۱۳۶).

مرحله سوم: تنبیه بدنی

اگر پند و اندرز فایده‌ای نکرد و زن به قهر و جدایی مرد هم بی‌اعتنایی کرد، نوبت به سومین مرحله اصلاحی می‌رسد و آن تنبیه بدنی است که نشانگر نهایت نارضایتی شوهر از زن است. تعبیر "و اضربوهن" در این آیه صریح در اذن قرآن جهت تنبیه زنان ناشزه است. از جمله سؤالاتی که در بحث تنبیه بدنی زن مطرح است این است که آیا زدن حق مرد است یا حکمی است به سود او. و اگر حکم است چگونه است؟ از نوع اباحه، کراهت، استحباب و یا وجوب است؟

فخر رازی به نقل از شافعی حکم ضرب را اباحه و ترک آن را افضل می‌داند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۵: ۹۳)، و از عطا نیز نقل شده که از آیه، اباحه فهمیده می‌شود (ابن عربی، ۱۳۷۶، ۱: ۴۲).

در صورتی که زن از نشوز دست بردارد، خداوند به مرد دستور می‌دهد که گذشته را فراموش کند و از هر نوع آزار و ستمی به زن دست بردارد. قرآن می‌فرماید: «فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا» (اگر از شما پیروی کردند راهی برای تعدی بر آنها نجوید). حتی برخی

بررسی تطبیقی تنبیه بدنی زن در تفاسیر فریقین با توجه به آیه ۳۴ سوره نساء

معتقدند آنها را به محبت تکلیف نکنید و همین که ظاهرشان با شما درست شد به باطنشان کاری نداشته باشید (مهریزی، ۱۳۸۹: ۲۲۶).

شبهه: آیا تنبیه بدنی زن با کرامت انسانی او منافات ندارد؟ شخصیت زن را پامال نمی‌کند؟ با حقوق زن منافات ندارد؟ و آیا این ترویج خشونت نیست؟

رشید رضا درباره این شبهه می‌گوید: «برخی از مقلدان آداب و رسوم غربی، از ما مسلمانان نسبت به تنبیه بدنی زن نافرمان، ایراد گرفته و آن را ناپسند می‌شمارند در حالی که نافرمانی زن و بزرگی کردن بر مرد را که رئیس خانواده است و تحقیر شدن مرد توسط زن را ناپسند نمی‌شمارند» (رشید رضا، ۱۹۳۵، ۵: ۷۴). مراغی از شاگردان عبده نیز به این شبهه اشاره دارد (مراغی، ۱۹۸۵، ۲: ۲۷).

پاسخ شبهه: به این گونه شبهات پاسخ‌های متفاوتی داده شده است که در این مقاله قول مشهور از دیدگاه مفسران شیعه و اهل سنت مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. لازم به یادآوری است که مشهور در زدن با شرایط و اهداف خاص با اشاره به چند نکته به پاسخ پرداخته‌اند.

نکته اول: وظایف متقابل زن و مرد

ازدواج پیمانی است که در آن زن و شوهر نسبت به یکدیگر تعهداتی دارند. مرد متعهد می‌شود مهریه بپردازد؛ به همخوابگی با زن در حد متعارف پای‌بند باشد؛ مسکن و هزینه زندگی را به صورت متعارف تأمین نماید و مسئولیت فرزندان را از نظر هزینه و سایر امور عهده دار باشد. در مقابل زن متعهد می‌شود در صورت نبودن ممنوعیت عرفی و شرعی، نیاز جنسی مرد را برآورده سازد و اموری را که منافی این امر است برطرف نماید.

نکته دوم: تکلیف مرد در صورت عدم انجام وظیفه از سوی زن

اگر مرد به تعهدات خود عمل نماید و زن به علل و انگیزه‌هایی که بیان شد به وظایف خود در قبال شوهر عمل نکند، چه باید کرد؟ قرآن برای پای‌بندی و مسئولیت‌پذیری زن نسبت به وظایف خود در قبال شوهر، چندین مرحله را مد نظر دارد. تنبیه بدنی آخرین مرحله‌ای است

که قرآن به آن امر کرده است؛ زیرا، در قبال گناه و معصیت زن، باید او را از منکر نهی کرد و چه کسی بهتر از خود خانواده می‌تواند متقبل چنین امری باشد؟
برخی از مفسران در مجوز زدن زنان به این دو روایت اشاره کرده‌اند: «پیامبر اکرم (ص) فرمود: تازیانه را جایی در آویز که اهل خانه و زیر دستان تو بینند» (هندی، ۱۴۱۳ ق: ۳۷۱).
آن حضرت در جای دیگر فرمود: تازیانه را در جایی که اهل خانه ببینند آویزان کنید؛ این سبب تأدیبات آنهاست (همان، فخر رازی، ۱۳۶۹، ۵: ۳۵۰).

نکته سوم: شرایط و اهداف خاص

مرد در تنبیه بدنی زن آزاد نیست تا هر طور که مایل است عمل نماید، بلکه باید شرایط خاصی را به شرح ذیل رعایت کند:

شرط اول: قصد اصلاح

قرآن هدف از تنبیه بدنی زن را پرهیز دادن زن از نشوز و در نتیجه اصلاح او می‌داند، به گونه‌ای که زن وظایف خود را نسبت به شوهر انجام دهد. این مسئله در روان‌شناسی نیز آمده است که برخی از زنان دارای حالتی به نام "مازوشیسم" یا آزار طلبی هستند و تنها راه آرامش بخشیدن به آنها تنبیه مختصر بدنی است که خود نوعی درمان روانی است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۹، ۳: ۴۱۵).

سید قطب نیز در این زمینه می‌نویسد: «کتک زدن زن زمانی انجام می‌گیرد که خطر شکاف، کج رفتاری و بدکرداری کانون خانواده را تهدید می‌کند و چنین مقرراتی جهت درمان کج اندیشی و کژ راهی است» (سید قطب، ۱۳۸۷، ۲: ۶۳). و نیز «اگر کتک زدن زن توهینی به مقام زن تلقی شود، ولی برای حفظ خانواده از خطر سقوط و پاشیدگی، کار لازمی باشد، قابل تحمل است» (جعفری، بی تا، ۲: ۴۳۳). مدرسی زدن زن را به جهت برگرداندن نظم و انضباط داخل خانه لازم می‌داند (مدرسی، ۱۴۱۹ ق، ۲: ۷۵).

تنبیه بدنی زن باید برای جلوگیری از پاشیدگی خانواده باشد تا شکایت به دادگاه برده نشود تا اسرار خانوادگی افشا شود (قریشی، ۱۳۷۷ ش، ۲: ۳۵۷). و چون هدف نهی از منکر

بررسی تطبیقی تنبیه بدنی زن در تفاسیر فریقین با توجه به آیه ۳۴ سوره نساء

است بهتر است خود شوهر زن را از گناه بازدارد تا پای اجانب به حریم خانه باز نشود. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱۸: ۵۶۱).

شرط دوم: خفیف بودن

در اینکه زدن چگونه و چه ویژگی‌هایی داشته باشد، آیه ۳۴ سوره نساء اطلاق دارد و هرگونه زدن را شامل می‌شود و اینکه با چه وسیله‌ای بزند هم آیه اطلاق دارد و هیچ محدودیتی را شامل نمی‌شود، ولی مفسران آن را بر پایه روایات و قراین نقلی و عقلی محدود کرده‌اند. برخی برای خفیف بودن تنبیه بدنی زن از آیه دیگر قرآن استفاده کرده و معتقدند که مراد از زدن، استفاده از قدرت بدنی نیست. قرآن داستان حضرت ایوب پیامبر را بیان می‌کند وقتی سوگند یاد کرد که زنش را بزند چنین می‌فرماید: «وَخَذُ يَدِيكَ ضِعْفًا فَأَضْرَبُ بِهِ وَلَا تَحْنُتُ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ» و دسته‌ای از چوب‌های باریک خرما به دست گیر و [همسرت را] با آن بزنی و سوگند خود را نشکن. ما او را بنده‌ای صابر یافتیم چه خوب بنده‌ای بود که توجه او به درگاه ما بود (ص / ۴).

رسول خدا (ص) می‌فرماید: تنبیه بدنی نباید به نحوی باشد که اثر آن در جسم زن نمود داشته باشد، و یا نشانه خودنمایی و اظهار قدرت مرد باشد (طبری، ۱۴۱۲، ۵: ۶۸). در روایتی امام باقر (ع) در تفسیر "واضربوهن" می‌فرماید: «با چوب مسواک وی را بزند» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ۱: ۴۷۸). امام صادق (ع) نیز زدن را با چوب مسواک و شیشه آن می‌داند؛ زدن که از روی رفق و دوستی باشد (شیخ صدوق، ۱۴۰۱، ۳: ۵۲۱). در روایت دیگری به ضرب غیر مبرح یعنی زدن که شدید و سخت نباشد تصریح شده است (حر عاملی، ۱۴۱۴، ۱۵: ۲۳۰). ابن جریر از حجاج نقل می‌کند که رسول خدا (ص) فرمود: «... اگر شما را در نیکی‌ها نافرمانی کرد آنان را کتک بزنید به گونه‌ای که به خون‌ریزی نیانجامد؛ یعنی اثر نماند» (سیوطی، ۱۴۱۴، ۲: ۲۷۸). سیوطی هم می‌گوید: «زدن نباید سخت و طاقت فرسا بوده و موجب ضرر شود» (سیوطی، ۱۴۱۴، ۲: ۵۲۲).

زمخشری می‌نویسد: «و گفته‌اند زدن باید به گونه‌ای باشد که به خون‌ریزی نیانجامد و جراحت وارد نکند و استخوانی را نشکند و از زدن بر صورت پرهیزد» (زمخشری، ۱۴۰۳، ۱: ۱۳۹).

۵۰۷). و نیز گفته شده ضرب باعث جدایی اعضای بدن نشود (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۱۰: ۷۲؛ نووی، ۱۴۱۷، ۱: ۱۹۶؛ قاسمی، ۱۴۱۸ ق، ۳: ۹۸).

فخر رازی در تفسیر خود به نقل از شافعی گفته است: اگر کسی زن خود را زد می‌بایست به گونه‌ای باشد که به نابودی زن منجر نگردد؛ بر یک نقطه ضربات را وارد نسازد؛ از کتک زدن بر صورت اجتناب ورزد، زیرا محل زیبایی هاست؛ کمتر از چهل ضربه باشد، البته برخی کمتر از بیست تازیانه را مجاز می‌دانند، زیرا بیست نسبت به برده حد کامل است. برخی نیز زدن با تازیانه و عصا را صلاح نمی‌دانند و به جای آن زدن با پارچه یا با دست را توصیه می‌کنند. به هر حال، رعایت نهایت تخفیف در این زمینه مطلوب است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۵: ۹۳-۹۴).

قابل ذکر است که واژه "ضرب" اختصاص به زدن درد آور ندارد، بلکه برخی از مصادیق آن می‌تواند بی درد باشد؛ زیرا، اگر چه زدن در حد یا تعزیر غالباً درد آور است، ولی در فضای خانوادگی که اساس آن مودت و رحمت است «... وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً...» (و میانتان دوستی و رحمت نهاد) (روم / ۲). زدن درد آور نمی‌تواند مورد دستور خداوند باشد، زیرا این نوع زدن با مودت و رحمت سازگاری ندارد (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۳۱۲).

آیاتی داریم که ضرب در آنها به معنای زدن بی درد آمده است که به دو نمونه اشاره می‌شود:

«فَضَّرْنَا عَلَيَّ آذَانَهُمْ فِي الْكُهْفِ سِنِينَ عَدَدًا» (پس در آن غار، سالیانی چند بر گوش‌هایشان پرده زدی) (کهف / ۱۱).

«... وَ لِيَضْرِبَنَّ بِخُمُرِهِنَّ عَلَيَّ جِيوبِهِنَّ...» (و باید روسری خود را بر گردن خویش افروا اندازند) (نور / ۳۱).

در نظر علامه حکیمی نیز زدن زن در آیه ۳۴ سوره نساء، بیش از آنکه تنبیه بدنی باشد، معنایی اخلاقی دارد، و این به راستی نوعی اظهار دلتنگی و مخالفت اخلاقی است نه تنبیه جدی بدنی (حکیمی، ۱۳۸۸، ۸: ۴۱۹).

بررسی تطبیقی تنبیه بدنی زن در تفاسیر فریقین با توجه به آیه ۳۴ سوره نساء

زدن درد آور نمی‌تواند مورد دستور خداوند باشد، زیرا این نوع زدن با مودت و رحمت سازگاری ندارد (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۳۱۲).

به طور کلی در پاسخ به نظر برخی از افراد که به تنبیه بدنی خفیف خرده می‌گیرند و ادعا می‌کنند که با چنین حالتی از زدن، جلوگیری از نشوز زن محقق نمی‌گردد، باید اشاره کرد که شاید حکمتش این باشد که «زن گمان کند شوهرش با او قصد مزاح و ملامت دارد» (جبعی عاملی، ۱۴۱۴، ۸: ۳۵۷).

شرط سوم: زدن در چند مرحله

در تنبیه بدنی باید از مرحله خفیف‌تر شروع شود و اگر اثر نکرد شدیدتر شود. امام خمینی در این باره معتقد است که ابتدا تنبیه مختصر باشد اگر اثر نکرد به تدریج به مراحل بالاتر و تنبیه شدیدتر منتقل می‌شود، ولی در هر صورت نباید بدن زن خونی شده و موجب کبودی و سرخی شود (موسوی خمینی ۱۳۹۰، ۲: ۲۷۳).

شرط چهارم: غرامت دادن مرد در صورت ایجاد جراحت

حال اگر از سر اتفاق و یا ناخواسته، زدن سبب جراحت زن گردد، مرد باید به او غرامت بدهد. اصفهانی ملقب به فاضل هندی می‌گوید: «اگر با تنبیه چیزی از اعضای بدن زن تلف گردد، شوهر ضامن است؛ زیرا، آنچه شارع فرموده برای اصلاح و تأدیب است در حالی که ضرب شدید موجب افساد می‌شود» (اصفهانی، ۱۴۱۶، ۲: ۱۰۰).

نکته چهارم: تنبیه بدنی تجویز ضروری

حکم تنبیه بدنی مذکور تنها یک تجویز ضروری برای مقاطعی کاملاً خاص و با شرایطی ویژه است که بیان شد و در غیر نشوز زن و عموم موارد دیگر غیر مجاز و نادرست است و مطلقاً از سوی اسلام منع شده است.

رسول خدا (ص) فرمود: «هر کس همسرش را سیلی بزند خداوند به مالک دوزخ فرمان می‌دهد که هفتاد سیلی از آتش دوزخ بر وی بنوازد» (نوری، ۱۴۰۷، ۲۴: ۲۵۰). در جای دیگر

دوفصل نامه دانشگاه قم: سال دوم شماره اول - بهار و تابستان ۱۳۹۵، شماره پیاپی ۳

می فرماید: «چگونه یکی از شما مردان، همسرش را می زند آنگاه دست به گردنش نیز (برای لذت جویی) می اندازد» (طباطبایی (علامه)، ۱۳۹۳، ۴: ۳۵۰)؟
و نیز پیامبر (ص) به روایت امام باقر (ع) فرمود: «آیا زن را کتک می زنید سپس می خواهید با او هماغوش باشید» (حر عاملی، ۱۴۱۴، ۱۴: ۱۱۹)؟

نکته پنجم: سفارش اسلام به رعایت حال زنان

بر اساس قرآن و برخی از روایات، اسلام در مورد زنان به مردان سفارش نموده است: قرآن در این باره می فرماید: «وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرَحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ...» (هر گاه زنان را طلاق دادید و مهلتشان سرآمد، یا آنان را به نیکو وجهی نگاه دارید یا به نیکو وجهی رها سازید) (بقره / ۲۳۱).

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «هر مردی که بر بد اخلاقی همسرش صبر کند خدا اجر داود را به او می دهد» (مجلسی ۱۴۰۳، ۱۰۰: ۲۴۷). و نیز در روایت آمده است آخرین سخنی که هنگام وفات از رسول خدا (ص) بعد از سفارش به نماز و مراقبت حقوق بردگان شنیده شد این بود که فرمود: «با زنان نیکو زندگی کنید و حریم آنان را نگاه دارید» (حرّانی، ۱۳۷۴: ۳۳۴).

امام علی (ع) نیز در روایتی می فرماید: «در هر حال با زنت مدارا کن و با او به نیکوی رفتار نما تا زندگی لبریز از صفا و صمیمیت باشد» (حر عاملی، ۱۴۱۴، ۷: ۱۲۰).

امام صادق (ع) هم از پدرش چنین روایت کرده است: «وقتی با زنی ازدواج می کنید احترامش کنید. او مایه آرامش شماست. زنان را آزار ندهید و حقوق آنان را ضایع نکنید» (علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰۰: ۲۲۴).

پیامبر (ص) در روایتی فرمود: «می شود که انسان از خداوند پاداش بگیرد، برای یک لقمه که در دهان همسر خود بگذارد» (حکیمی، ۱۳۸۸، ۸: ۲۷۴). و در جای دیگر فرمود: «همواره جبرئیل مرا نسبت به زنان سفارش می کرد، تا جایی که پنداشتم طلاق آنان جایز نیست مگر در صورت خیانت» (همان: ۴۷۵). و نیز فرمود: مؤمن به میل همسرش غذا می خورد، منافق همسرش به میل او غذا می خورد (همان: ۴۷۶).

بررسی تطبیقی تنبیه بدنی زن در تفاسیر فریقین با توجه به آیه ۳۴ سوره نساء

علامه حکیمی در ذیل روایت می‌نویسد: «مرد موظف شده است که ذوق و سلیقه‌های شخصی را کنار گذارد، و در بُعد احساسی و عاطفی از ذوق و سلیقه زن پیروی کند. و این معیار والایی است برای ریشه‌سوزی مردسالاری در خانواده اسلامی» (همان: ۴۸۸).

در نظر پیامبر گرامی اسلام، نشستن مرد در کنار همسر در خانه، نزد خدای متعال محبوب‌تر از اعتکاف در مسجد است (همان: ۴۸۶). سفارش اسلام تا بدانجاست که دستور داده است که مردان باید در کنار همسران خود بخوابند. در روایتی دیگر، پیامبر اکرم (ص) در این باره فرمود: «آیین جوانمردی را از دست داده است کسی که دور از خانه و شهری که همسرش در آنجاست، بخوابد» (حر عاملی، ۱۴۱۴، ۱۴: ۱۲۲).

علامه طباطبایی درباره این روایات می‌نویسد: «روایت در زمینه رفتار نیکو و کریمانه با زنان از پیامبر مکرم اسلام (ص) و امیر المؤمنین علی (ع) از منابع روایی معتبر شیعه و اهل سنت فراوان نقل شده است که از مجموع اینها می‌توانیم موضع اسلام در قبال زنان را که سرشار از تکریم، محبت و معاشرت نیکو است استفاده نماییم» (علامه طباطبایی، ۱۳۹۳، ۵: ۳۵۱ - ۳۴۹).

نتیجه‌گیری

بر اساس نظر مفسران فریقین تنبیه بدنی زن با کرامت انسانی او منافات ندارد؛ زیرا، اولاً: زن و شوهر در قبال همدیگر متعهد هستند؛ در صورتی که فقط شوهر به تعهد خود عمل کند و زن نسبت به مرد متعهد نباشد، مرد باید او را وادار کند تا به تعهد خود عمل نماید. ثانیاً، قرآن تنبیه بدنی زن را پس از مراحل پند و اندرز و دوری از بستر وی در مرحله آخر قرار داده است. ثالثاً، حکم تنبیه بدنی مذکور تنها یک تجویز ضروری برای مقاطعی کاملاً خاص یعنی نشوز زن و شرایط ویژه است و لذا در عموم موارد دیگر غیر مجاز و نادرست است و اسلام هم به شدت با آن مخالفت و از آن نهی نموده است.

کتابنامه

- قرآن کریم.
۱. ابن عربی، محی الدین. (۱۳۷۶). *احکام القرآن*. حلب: نشر علی محمد بجاوی.
 ۲. ابن منظور. (۱۴۰۸ ق.). *لسان العرب*. بیروت: دارالترتیب العربی.
 ۳. اصفهانی، بهاء الدین محمد بن الحسن (فاضل هندی). (۱۴۱۶ ق.). *کشف اللثام*. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
 ۴. انصاری قرطبی، ابو عبد الله محمد بن احمد. (۱۴۱۵ ق.). *الجامع لاحکام القرآن*، تحقیق محمد جلیل. بیروت: دارالفکر.
 ۵. جبعی عاملی، زین الدین (شهید ثانی). (۱۴۱۴ ق.). *مسالك الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام*، قم: موسسه المعارف الاسلامیه.
 ۶. جعفری، یعقوب. (۱۳۷۶). *تفسیر کوثر*. قم: هجرت.
 ۷. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). *تسنیم*. (ج ۱۸). قم: مرکز نشر اسرا.
 ۸. ----- (۱۳۸۴). *حق و تکلیف در اسلام*. قم: مرکز نشر اسرا.
 ۹. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ ق.). *وسایل الشیعه*. (ج ۷ و ۱۵). تحقیق مؤسسه آل البيت، [بی جا]: دار احیاء التراث العربی.
 ۱۰. حرآنی، حسن بن شعبه. (۱۳۷۴). *تحف العقول*، ترجمه صادق حسن زاده. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
 ۱۱. حسینی جرجانی، سید امیر ابوالفتح. (۱۴۰۴ ق.). *آیات الاحکام (جرجانی)*، تحقیق: میرزا ولی الله اشراقی سراپی. تهران: انتشارات نوید.
 ۱۲. حکیمی، محمد رضا، حکیمی محمد، و حکیمی محمود. (۱۳۸۸). *الحیاء*. قم: دلیل ما.
 ۱۳. خرمشاهی، بهاء الدین. (۱۳۸۹). *دانشنامه قرآن پژوهی* (چاپ سوم). تهران: انتشارات دوستان و ناهید.
 ۱۴. خمینی، سید روح الله. (۱۳۹۰ ق.). *تحریر الوسیله* (ج ۲). (چاپ دوم). نجف اشرف: مطبعه الاداب.
 ۱۵. خوانساری، سید احمد. (۱۳۶۴). *جامع المدارک* (ج ۴). (چاپ دوم). تهران: نشر صدوق.
 ۱۶. داودی، سعید. (۱۳۸۲). *زنان و سه پرسش*. قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب (ع).
 ۱۷. رازی، ابوالفتوح. (۱۳۶۹). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
 ۱۸. رازی، فخر الدین. (۱۴۲۰). *التفسیر الکبیر*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
 ۱۹. الراغب الاصفهانی حسین بن محمد. (۱۳۸۷). *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق محمد خلیل عیتانی. تهران: موسسه فرهنگي آرایه.
 ۲۰. راوندی، قطب الدین ابوالحسین سعید بن هبه الله. (۱۴۰۵ ق.). *فقه القرآن* (چاپ دوم). تحقیق: سید احمد حسینی، قم: مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی.
 ۲۱. رشید رضا، محمد. (۱۹۳۵). *تفسیر المنار*. بیروت: دارالفکر.
 ۲۲. زمخشری، محمود. (۱۴۰۳). *الکشاف عن حقایق التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل*. بیروت: دارالفکر.
 ۲۳. سید قطب. (۱۳۸۷). *فی ظلال القرآن* (چاپ دوم). (ترجمه: مصطفی خرم دل). تهران: نشر احسان.
 ۲۴. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن. (۱۴۱۴ ق.). *الدر المنثور فی التفسیر المأثور*. بیروت: دارالفکر.

بررسی تطبیقی تنبیه بدنی زن در تفاسیر فریقین با توجه به آیه ۳۴ سوره نساء

۲۵. صدوق (شیخ)، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی. (۱۴۰۱ ق). من لا یحضره الفقیه. (ج ۳). بیروت: دارالعارف.
۲۶. طباطبائی، محمد حسین. (۱۳۹۳ ق). المیزان فی تفسیر القرآن (چاپ سوم). بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۷. طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن. (۱۳۵۱). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. (ج ۵). (ترجمه: احمد بهشتی). تهران: مؤسسه انتشاراتی فراهانی.
۲۸. طبری، محمد ابن جریر. (۱۴۱۲ ق). تفسیر طبری. (ج ۵). بیروت: دارالمعرفه.
۲۹. طبیب، سید عبدالحسین. (۱۳۷۸). اطیب البیان فی تفسیر القرآن (چاپ دوم). تهران: انتشارات اسلام.
۳۰. العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه. (۱۴۱۵ ق). تفسیر نورالتقلین. قم: مطبوعاتی اسماعیلیان.
۳۱. قریشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۷). تفسیر احسن الحدیث (چاپ سوم). تهران: بنیاد بعثت.
۳۲. قاسمی، محمد جمال الدین. (۱۴۱۸ ق). محاسن التأویل. تحقیق: محمد باسل عیون السود. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۳. مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳). جواهر الانوار. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۴. مدرسی، سید محمد تقی. (۱۴۱۹ ق). من هدی القرآن. تهران: دار محیی الحسین.
۳۵. مراغی، احمد مصطفی. (۱۹۸۵). تفسیر المراغی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۶۹). تفسیر نمونه (چاپ ۲۵). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۷. مهریزی، مهدی. (۱۳۸۹). نواندیشی دینی و مسئله زن (چاپ دوم). قم: صحیفه خرد.
۳۸. نوری طبرسی، میرزا حسین. (۱۴۰۷). مستدرک الوسائل. قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۳۹. نووی جاوی، محمد بن عمر. (۱۴۱۷ ق). مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید. تحقیق: محمد امین صنای. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴۰. هندی، علاء الدین. (۱۴۱۳ ق). کنز العمال. بیروت: مؤسسه الرساله.

